

زنجیره‌ی فساد را قطع کنید

نقد خوزی‌ها بر تقلیل جریان فساد
در ایران به آقا زاده‌ها؛

شنبه ۲۴ آبان ۹۹ / سال اول، شماره ۸ / ۱۶ صفحه / قیمت ۵۰۰۰ تومان



روزنامه
مستقل
صبح
ایران
خوزی‌ها

عبیدی

۳

پرونده

خوزی‌ها در رثای استاد فیرحی
با مطالب اختصاصی؛

شیخ دموکراسی

انتر / هادی حیدری

رضا کیانی

بی تردید علاوه بر تواضع و اخلاق نیک فردی، سجایای ارزشمندی اجتماعی چون تلاش در وادی افزایش مشارکت‌های مردمی در مبحث صیانت از محیط زیست، ارج نهادن به آموزش نوین در وادی محیط زیست (حتی در دل مناطق محروم و کم برخوردار)، برقراری و تقویت ارتباط با جوامع فرهنگی، پژوهشی و علمی یاد و نام محسن خیرالهی را در ذهن و ضمیر ما زنده نگه می‌دارد و امیدوارم الگویی برای نسل‌های امروز و فردا قرار گیرد.

تاثیرات پیروزی بایدن بر روابط ایران و آمریکا

سید شکر خدا موسوی

بایدن در این چند ماه اخیر و در دوران تبلیغات انتخابات اعلام کرده است که به برجام بر می‌گردد. مشاورانش نیز می‌گویند دولت بایدن به برجام باز می‌گردد. اما حتماً بایدن شرط و شروطی دارد، برجام توسط دولت او بماند. بایدن امضا شد و به عنوان یک سند افتخارآمیز آن را تلقی کردند اما توسط ترامپ به عنوان یک سند بد لغو گردید.

وقتی پارامترهای مختلف را که کنار هم می‌گذاریم به نظر می‌رسد که بازگشت به برجام توسط دولت جدید آمریکا باید اتفاق بیفتد. یک مسئله مهم این است که اگر بازگشت با شرط و شروط باشد که ایران هیچ شرطی را نمی‌پذیرد و این موضوع را اعلام کرده است چون ایران حسن نیت خود را به ۱+۵ نشان داد.

مسئله دوم این است که تحریم‌ها و فشار حداکثری که دولت ترامپ به ملت ایران وارد کرد چگونه می‌توان برداشت؟ چرا که برخی از این تحریم‌ها زیر چتر قانون ضد تروریسم قرار گرفته است و برای لغو این تحریم‌ها باید کنگره نظر بدهد. ظاهراً با توجه به انتخابات آمریکا که سنای آمریکا دست جمهوریخواهان خواهد ماند قطعاً لغو این تحریم‌ها کار ساده‌ای نخواهد بود. اما به هر حال این مشکل دولت آمریکا است.

ولی آنچه مسلم است فضایی بهتر از گذشته ایجاد خواهد شد. رقبای منطقه‌ای ایران مثل عربستان، اسرائیل و امارات چندروزی است ماتم و عزا گرفته‌اند، و این نشان می‌دهد که آن‌ها هم فشار را به سود خود نمی‌دانند.

مقامات رژیم صهیونیستی نگران بازگشت بایدن به برجام هستند. بالاخره بخشی از تیم مذاکرات برجام با دولت بایدن پست می‌گیرند و یا پشت صحنه به عنوان مشاور فعالیت می‌کنند. ضمن این که شخص او باما هم حتماً به دولت مشورت خواهد داد. به ویژه این که در انتخابات بسیار فعال بود، شاید فعال‌ترین چهره شاخص دموکرات‌ها او باما بود و برای پیروزی بایدن خیلی تلاش نمود.

خوب به یاد داریم که با توافق برجام تحریم‌های اروپایی و سازمان ملل برداشته شد، اما با خروج ترامپ از توافق و فشار تحریم‌های آمریکا علیه ایران، عملاً اروپایی‌ها و دیگر کشورهای جهان نتوانستند با ایران همکاری کنند.

بایدن حداقل می‌تواند فشار به کشورهای اروپایی و دیگر کشورهای جهان برای عدم همکاری با ایران را متوقف کند و در واقع تحریم‌های ترامپ را در عمل به اجرا در نیآورد. هم‌زمان تلاش‌ها را برای بازگشت به برجام آغاز کند. اگر دولت بایدن این کار را انجام دهد نشان می‌دهد حسن نیت دارد.

از سویی دیگر اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی در خارج از کشور با شکست ترامپ دچار ترس و اضطراب و یأس شده‌اند. آن‌ها تصور می‌کردند ترامپ چهار سال دیگر رئیس جمهور خواهد بود و فشارها به نظام جمهوری اسلامی را حفظ و حتی افزایش خواهد

اسطوره بی‌مانند بلوط‌های برافراشته شهرام دهکردی

محسن خیرالهی فرزند ایران زمین، فرزند زاگرس مهربان، تسهیل‌گر دانای طبیعت در سن ۵۰ سالگی به دیدار محبوب و خالق طبیعت شتافت.

مرحوم خیرالهی اسوه اخلاق در محیط زیست و ورزش بود. وی علاوه بر مربی‌گری و تسهیل‌گری محیط زیستی یکی از مربیان رشسته کوهنوردی در خوزستان بود و در حوزه محیط زیست اقدامات ارزنده‌ای انجام داد؛ همچنین ورزشکاران بسیاری را در عرصه کوهنوردی تربیت کرد. وی مسوول کار گروه محیط زیست هیات کوهنوردی و صعودهای ورزشی خوزستان بود و همواره با دیگر علاقه‌مندان کوهنوردی و محیط زیست اقدام به پاکسازی کوه‌ها می‌کرد.

خیرالهی ریاست اداره برنامه‌ریزی و منابع اداره کل محیط زیست خوزستان، و ریاست حوزه‌ی مشارکت‌های مردمی اداره کل محیط زیست خوزستان را در کارنامه خود داشت و در شکل‌گیری و توانمندسازی چندین سمن محیط زیستی در استان نقش بسزایی را ایفا کرد.

وی در عین حال از کارشناسان خبره‌ی حوزه‌ی محیط زیست بود که هر ساله کارگاه‌های آموزشی مختلفی را در سطح استان برگزار می‌کرد. یادش ماندگار.

با صفا مثل خورشید محمد داسی

کلامش و وجودش آرامش‌بخش بود، واقعی بود، زیبایی‌های این دنیا را به دور از هیاهوها در طبیعت می‌جست، بی‌ریا بود، زلال بود، عاشق بود، ده‌ها سال باز آگرس به معنای واقعی زندگی کرد، خدمت کرد، تلاش خردمندانه کرد، آگاهی‌بخش بود، نور بود، امیدآفرین بود، حرف‌هایش به دل‌های ما نشست، بر دل‌های ما حکومت می‌کرد، هیچ وقت حقیقت و محیط زیست اسـتـان را فدای منافع دولت‌ها و سیاست‌های دولتی، جناحی و سیاسی نکرد. بزرگترین حامی بود، به معنای واقعی مردمی بود، از قدرت به دور بود، پست، مقام دولتی برایش ارزش نداشت، هیچ‌وقت برای این گونه مسائل مسیرش را به انحراف نبرد و البته کم لطفی‌ها، ظلم‌ها و بی‌انصافی در حقش کم نبود، برایش مهم نبود او از جنس دیگری بود، ارزش و زیبایی‌ها را در طبیعت می‌دید، او عجیب خوب بود، نازنین بود، او را از تمام وجود دوست داشتیم و غم رفتنش هیچ وقت از وجود من نخواهد رفت همانطور که مهرش ابدی بود، مهری عجیب داشت، مثل رودخانه‌ای زیبا

در او صخره‌ها می‌دیدم، آب را می‌دیدم، صفای وجودش مثل خورشید گرمی می‌داد، سبز بود، عزیز بود، آرامشی بود برای تمام روزهای سخت، برای غم‌ها، برای دوری، برای حسرت، عشق، یار و...

صخره‌ها، آب، گیاه و کوه هم برای رفتنت اشک خواهند ریخت.

رفیق این وقت رفتن نبود، بدون تو سخت خواهد بود...

چه گفتند

خبرگزاری‌ها

محسن خیرالهی یکی از فعالان محیط زیست برجسته و تسهیل‌گر شاخص خوزستان و مسوول سابق آموزش و مشارکت‌های مردمی اداره کل حفاظت محیط زیست خوزستان بوده است که زحمات بسیاری در ترویج فرهنگ محیط زیست متحمل شده است. وی پایه‌گذار آموزش عمومی در حوزه محیط زیست در بخش دانش‌آموزی و عشایر بوده و طرح «محیط یار» را در مدارس خوزستان به اجرا گذاشت.

ردگذشت این فعال و پیشکسوت محیط زیست و اکشن‌های زیادی در میان فعالان محیط زیست داشته است. خیرالهی در شکل‌گیری و فعالیت انجمن‌های زیست محیطی استان نیز نقش بسزایی داشته و فعالان محیط زیست از او به عنوان «پدر معنوی تشکل‌های زیست محیطی خوزستان» یاد می‌کنند.

دریغ

حمید خدابخشی
@khhamid2000

کنشگر آب و محیط زیست و اجتماعی رئیس انجمن صنفی مهندسان صنعت آب خوزستان

تسلیتی به وسعت دریا دلی محسن خیرالهی به همه دوستداران و عاشقان طبیعت.

چه اسم و فامیلی بامسمایی داشت. پُر از حسن و خیر خدایی بود. پُر از نیکی و احسان، عشق.

ردگذشت برادر نیکو خصلالم دلسوز انسانیت و طبیعت محسن خیرالهی را به کنشگران راستین محیط زیست تسلیت عرض می‌کنم. بسیار متأسفم.



یکی از مهمترین اجزای پروژه علمی مرحوم استاد فیرحی این بود که اتهام استبداد را از چهره دین و تشییع با اجتهادی روشمند از سنت و بدون استمداد از تجدد زدود و قرائت تمامیت خواه و ضد مردم سالاری را از # حکمرانی دینی، عالمانه و فقیهانه به چالش گرفت. **مهدی نصیری**



شنبه ۲۴ آبان ۹۹ / سال اول. شماره ۱۶



برترین استاد علوم سیاسی

محسن آل غفور

چه سخت است این لحظات. چه سخت است که بخواهی برای فقدان استاد عزیزت بنویسی. دستم به قلم نمی‌رود. توان نگارش از من سلب شده است. ذهنم مشوش است. خاطر اتم را با استاد فرزانه، توان یادآوری ام نیست.

قیصر ایران و خوزستان چه نکو سر داد که ناگهان چه زود دیر می‌شود.

برای ما ناگهان چه زود دیر شد. هنوز شربتی از لب لعلش نچشیدیم و برفت. اندیشه‌اش را کرانه ای وسیع بود که ما را مجال اندکی از درک آن نصیب شد.

فیرحی از نوادر عصر ما بود که در عین جوانی تئوریسین و صاحب نظریه بود. او اندیشمندی ذوالابعاد بود. فقیه و مجتهدی بی نظیر، فیلسوفی ژرف اندیش، دانشمندی آگاه و توانا به اندیشه و فلسفه سیاسی دنیای قدیم و جدید غرب بود و در عین حال به همان میزان مسلط و توانا به اندیشه‌های سیاسی و فلسفی مسلمانان گذشته و معاصر بود.

فیرحی در تلاش برای خلق پروژه‌های دوگانه و چند وجهی بود. از سویی در پی ایجاد ارتباط و علقه میان دو دوره قدیم و جدید اندیشه‌های مسلمانان بود و از دیگر سوی دغدغه‌ی ایجاد ارتباط میان سنت و تجدد داشت.

بر این اساس بود که نقطه ثقل پژوهش‌اش را بر مشروطه گذاشته بود. به باور او مشروطه گرانی‌گاه است. پایان ایران قدیم است و آغاز ایران جدید. به جهت این اهمیت است که باید به بازخوانی مشروطه و اندیشه‌های شکل گرفته در آن پرداخت.

در اندیشه فیرحی رساله‌ها و متون فقهی دوران مشروطه به درکی حایز اهمیت از مرنیتته و مفاهیم آن دست یافته بودند. از همین روی بود دست به تالیف آثار گرانمایه‌ای زد: قدرت، دانش و مشروعت در اسلام، فقه و سیاست در ایران معاصر، حکمرانی حزبی نظام سیاسی و دولت در اسلام، دین و دولت در عصر مدرن، آستانه تجدد و... تا برگزاری کارگاه‌های خوانش متون فقهی برای دانشجویان و علاقمندان به تاریخ اندیشه ایران معاصر.

او باور داشت دشواره امروز در ارتباط میان سنت و تجدد را می‌توان با فهم جدید و نگاه و خوانش هرمنوتیکی تسهیل نمود.

از اندیشه فیرحی به کوتاهی گفتیم اما این فقط اندیشه‌اش نبود که فیرحی را تبدیل به فیرحی و به عنوان یکی از برترین اساتید علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایران و خاورمیانه ساخته بود.

او اخلاقی دگر داشت. طی دوران شاگردی و آشنایی با آن مرد بی نظیر از سال ۱۳۷۰ او را مصداق روایت «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِخَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ» یافتیم.

فیرحی با اخلاق نکوی خود سبب شده بود که به راحتی صدای ملایم تدریسش را شنوا باشی و این حق را داشته باشی که با نگاه به چشمان مجبوس به موافقت یا مخالفت بر خیزی. مراجعه همه طیف از دانشجویان با افکار مختلف، متضاد و متفاوت بر گرد شمع وجود استاد حکایت از این معنا داشت. شهادت می‌دهم که در ایام طولانی آشنایی که زود به خاطره پیوست هرگز از او روی در هم کشیده ندیدم و مطمئنم بر خاطر دانشجویان، همکاران و دوستان، موافقان و مخالفانش فیرحی با لبخندی زیبا به تصویر کشیده شده است.

و در پایان از آخرین افسوسم بگویم، در اوپسین روزهای ۹۸ قرار بر حضورش در خوزستان و دانشگاه چمران را گذاشتیم، پذیرفت اما ویروس منحوس قرارمان باد کتر را بر هم زد و آن را به زمانی دیگر واگذار کردیم تا خوشه چین خرمن اندیشه‌اش برای علاقمندانش باشیم اما افسوس که کرونای منحوس این داغ را بر دلمان گذاشت و دیدارمان به قیامت افتاد. استاد عزیزم سفر خوش.

سیدهای خامنه‌ای... مرحوم حجت الاسلام دکتر داود فیرحی با دانش وسیع و آشنایی کم‌نظیر با تاریخ اسلام و... به ارائه یافته‌های عالمانه و راهگشا می‌پرداخت که منشأ آثار و خدمات مختلفی در حوزه و دانشگاه بود و بی‌تردید فقدان او به راحتی جبران نخواهد شد.

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست

حجت الاسلام دکتر فیرحی نماد مردم سالاری و حق‌پوی

مسعود پور فرد دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی



عباس جهرازی
سال

داغ فیرحی

دین درست را از میوه‌اش باید شناخت، نه از صحبت و کلام بزرگان...

۳ سال پیش بود که جمله و متنی در شبکه‌های مجازی و بین مخاطبان دست به دست می‌شد که منبع اصلی آن مشخص نبود و برخی آن را به امام صدر نسبت می‌دادند.

جمالیتی به شرح زیر: «دین درست را از میوه‌اش باید شناخت، نه از صحبت و کلام بزرگان. وقتی افراد بی‌نظم منظم شدند، فقر کم شد، دزدی کم شد، بی‌اخلاقی کم شد، آن وقت می‌گوییم دین این جامعه درست است.»

همان وقت گزارشی در این باره منتشر کردیم و گفتیم که این جملات متعلق به سخنرانی دکتر داود فیرحی در شانزدهمین درس گفتار #اندیشه‌و عمل و نتیجه تحلیل او از سخنان امام صدر است.

متأسفانه با خبر شدیم که دکتر فیرحی، پژوهشگر علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، امروز بر اثر بیماری کرونا درگذشت. (۱)

امام موسی صدر را ندیدیم و درکش نکردیم، اما همین قدر می‌دانیم که پس از گذشت قریب به ۴۲ سال از ناپدید شدن او، جامعه‌ی اسلامی و حتی انسانی چگونه نبود وی را با تمام وجود احساس می‌کند.

آنقدر در این سال‌ها نیز از وی سخنان عمیق شنیده و خوانده بودیم که ذره‌ای به خود تردید راه نمی‌دادیم که جمله‌ای فوق‌الذکر از وی نباشد. و افسوس و صد فغان که اگر صدر بزرگ را درک نکردیم، چرا از فیرحی غافل بودیم.

آن جمله‌ای که فیرحی بزرگ گفت؛ یک انذار و هشدار نبود، منشور بود، راهبرد بود، آرمان بود. جامعه‌ی اتومات، بدون اتکا به شخص، کانالیزه شده، مردم سالار مردم ناظر.

فقه پاسخگو به نیازهای روزانه‌ی بشر، دیالوگ محور و نه مونولوگ برتر!

اهل پرسش، اهل سازش، مدارا پرور، تاب آور، چرا ساز، چگونه خواه، نتیجه‌گر و پژوهش‌دار. نگارنده متخصص علم سیاست نمی‌باشد اما دنبال کننده‌ی آن بوده و می‌باشد و از این ره خواننده‌ی آثار و کتب و مقالات فیرحی عزیز بوده‌ام. از این منظر، فراق و نبود فیرحی را با توجه به آنچه در محافل علمی داخلی رصد می‌کنم، ثلمه و ضایعه‌ای بی‌جبران حداقل تا کوتاه مدت و میان مدت می‌دانم.

امید آنکه در زمان‌های آتی و در بسطی‌تری فراهم‌تر، آنچنان که شایسته‌ی حضرتش باشد، ادای دینی به مقام و منزلتش صورت گیرد. داغش ماندگار.

رینا فرغ علینا صبرا...

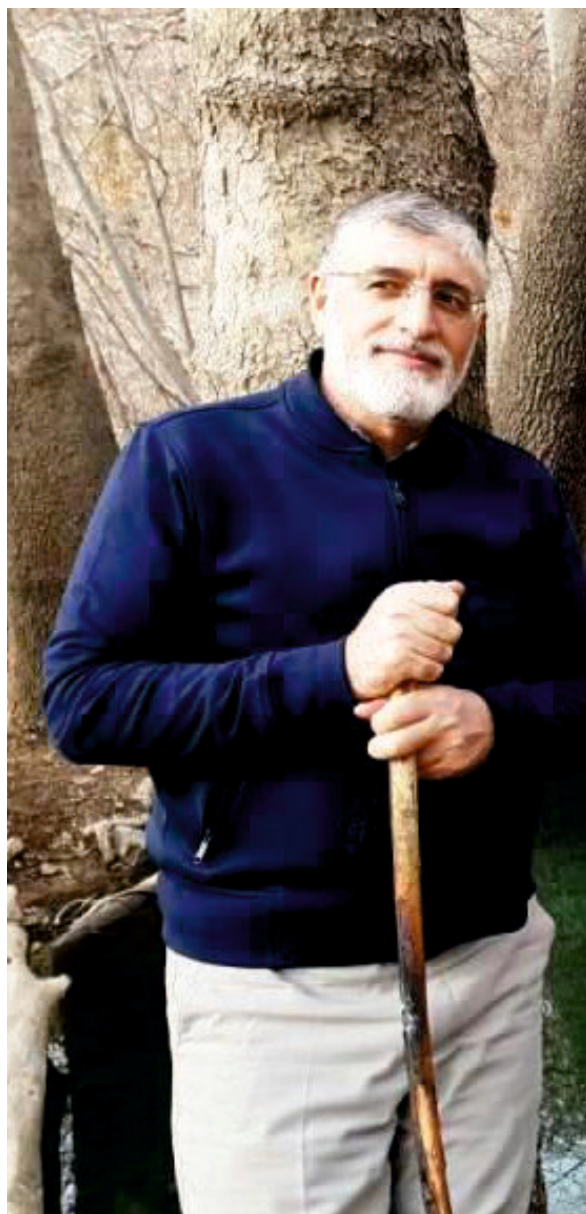
(۱) بیانیته موسسه‌ی امام موسی صدر به مناسبت رحلت جناب استاد فیرحی

دکتر فیرحی در زمره عالمان دینی بود که علاوه بر تحصیلات در سطح عالی حوزه، بنابر ضرورتی که تشخیص داده بود، موفق گردید در سنگر دانشگاه تهران نیز ادای وظیفه کند. او تدوین‌گری دموکراسی و مردم‌سالاری را برگزید تا ترکیه و رشد معنوی را با دانش اسلامی و تجربه قرین سازد. از قرائت مردم‌سالاری دین‌گریز اجتناب و از فهم تعارض آمیز دین و مردم‌سالاری پرهیز می‌کرد. بر اساس اینستاره‌های علمی خود مهمترین مدافع برابری را دین می‌دانست و همین ایده‌ها، در کتاب مردم‌سالاری دینی اینجانب با مشورت او به نظم درآمد و در خور تقدیر شد. در تقویت ارکان دموکراسی از کارهای خوب ایشان در کتاب در آستانه تجدید است. این کتاب بیان دینی از آزادی و دموکراسی در مکتب تشیع را فراهم کرد. مرحوم فیرحی در امر مردم‌سالاری متأثر از مرحوم نایینی بود، بسیار به مرحوم نایینی عالمند بود و حامی افکار و اندیشه‌های او بود. حضورش در میان دانش‌جویان و اساتید در خط مقدم دانش‌پژوهی به گواه دانش پژوهان قم و تهران به جامعه علمی دلگرمی و امید می‌داد. در بیست سال دفاع از آزادی و مردم‌سالاری کنار عاشقان واژه حق‌مداری ایستاد و به نماد مبارزه حق‌مداری تبدیل شد. ۴

او نه تنها نماد و نشانه دفاع از مردم‌سالاری تلقی می‌شد بلکه همه هستی‌اش دفاع از نقش مردم در نظام دانایی دینی بود.

آن استاد بزرگوار به همراه دانش پژوهان انجمن مطالعات سیاسی حوزه در ظلمت ناشی از رسوبات فرهنگ تقلیدی و جاهلیت مدرن به نورافشانی پرداختند و با درک درست از واقعیت‌های اجتماعی و شناخت ضرورت‌های زندگی سیاسی-اجتماعی، سعی در احیای فرهنگ اسلامی در محیط دانشگاه و حوزه‌های علمیه نمودند و در سخنرانی‌ها و جلساتی که با دانش پژوهان داشتند کوشیدند تا بی‌اعتباری فرهنگ سلطه‌گر مدرن و اصالت دادن به موارث فرهنگی را در قالب دموکراسی و مردم‌سالاری دینی به اثبات برسانند. در سیره سیاسی-اجتماعی او باید گفت در اقامه نمودن براهینی مقنع و متقن سیاسی به میزان بسیاری توفیق داشت. مشی‌ء او در تحلیل گفتمان‌های سیاسی، اعتدالی، ایجابی و جریان‌ساز در حوزه و دانشگاه بود. سوبه‌های مثبت و مفیدی داشت که می‌توان آن را از دل منظومه رفتاری او استخراج و استحصال کرد. اگر گفتمان فکری-سیاسی فیرحی در سه ضلع یک مثلث قابل ترسیم باشد. آن‌گاه یک ضلع آن سیره اخلاق‌محوری در

مواجهه فعال با بی‌اخلاقی موجود، ضلع دیگرش سیره سیاسی-اجتماعی با مشی اعتدالی و ضلع سوم آن وفاداری مجتهدانه به موارث فرهنگی و احیای آثار علمای سلف همچون مرحوم آیت‌الله نائینی بود. او همیشه برای من و دوستانم اسطوره و اسوه اخلاقی بود و سیره سیاسی او عین سیره اخلاقی‌اش بود. خوب به یاد دارم با دوستان انجمن مطالعات سیاسی حوزه نزد دکتر فیرحی رفتیم و تازه



متوجه شدیم در گذشته، او که خود یتیم بود حاضر شده‌اندند ناجوانمردی که در یک روز غمگین مادرش را به زیر ماشین گرفته و به بهانه رساندن آن مادر مهربان به بیمارستان متأسفانه در اطراف شهر رها کرده و دست به یک اقدام غیرانسانی زده بود را در روز اعدام بخشیده است.

او واقعاً از نظر اخلاقی اسوه گذشت و جوانمردی بود. همچنین رفتار اعتدال‌گرایانه ایشان در دعوای جناحی نیز نمود داشت و معتقد بود وارد روزمرگی سیاسی و درگیری‌های جناحی نشوید بلکه هر وقت هر کدام حق گفتند، حمایت کنید.

به قول اقبال لاهوری اگر به وحدت اقبالی نشود؛

«در جهان آواره‌ای بیچاره‌ای

وحدتی گم کرده‌ای، صد پاره‌ای.ه

بی‌گیری وحدت سیاسی از سوی او و استقبال بزرگان عرصه دانش از آن، مدیون چندین عامل مهم بود.

شخصیت فردی فیرحی، دانایی و آگاهی داشتن عمیق از دانش سیاسی و حوزوی، دوستداران عاشق و حقیقی ایشان، گفتمان سیاسی اعتدال در سیاست، مشی‌ صبورانه و محبت‌آمیز ایشان، مردمی بودن او و تهذیب نفس‌اش که تجلی عملی او در زندگی، ساده‌زیستی و قناعت پیشگی‌اش بود و در نتیجه از دل‌بستگی به زخارف دنیوی‌رها شده و دیگران را بر خود مقدم می‌نمود و خود به اندکی از متاع دنیا اکتفاء می‌کرد.

روحش شاد و یادش در عمل گرامی باد.

منابع:

۱- غزل ۱۹، حافظ.

۲- مسعود پور فرد، دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳- روزنامه مردم‌سالاری ۹۹/۸/۲۲

۴- رضا خراسانی، هم‌نشینی حق و حکم در فقه سیاسی معاصر، فصلنامه‌ی هیافت‌های بین‌المللی، شماره ۴۱ سال ۹۲، ص ۷۰-۹۰.

۵- اقبال لاهوری، رموز بی‌خودی (۱۹۱۷) نام اثری در قالب شعر اقبال لاهوری است که منظوم به زبان فارسی است.

فرید مدرسی دکتر #داود_فیرحی رفت و ما را از اندیشه روشنگرانه خود محروم کرد. روشنفکری بود که میان اندیشه‌های دیگر می‌زیست و منزوی گرایانه نمی‌اندیشید. منتقد سنت‌گرایی بود اما از سنت آمده و از آن آموخته و همراه بود. اندیشه سیاسی متجدد شیعه بی‌نام او معنایی ندارد. یادش گرامی و راهش پربرو

شنبه ۲۴ آبان ۹۹/ سال اول، شماره ۱۶ / ۸ صفحه



وهنر نمايي حضرت استاد دکتر فیرحی کوزه‌ی شکسته‌ی دموکراسی

عنوان هیات علمی دانشگاه مشهد قم
محمود شفیعی

عملی آن را در سطح نظر سنجید. او چنین رسالتی را ضرورت تاریخ مسلمانان جهان و از جمله ایران اسلامی تشخیص داده بود و برای این ضرورت توجیه کافی به دست آورده بود که بر اساس فهم خود چنان توجیهاتی را در ذیل مرور خواهیم کرد. تاریخ اندیشه سیاسی بر این ادعا گواهی می‌دهد که اقتدارگرایی شاخصه همه نظام‌های سیاسی در جوامع قدیم بوده است. دموکراسی در این جوامع اگر هم یافت می‌شده، هم در چندی، بسیار کمیاب و هم در چگونگی، همیشه با دیده تحقیر بدان نگریسته می‌شده است. اقتدارگرایی در فلسفه و الهیات قدیم، همیشه در نظر توجیه گشته و در عمل مورد تحسین قرار گرفته است. در مقابل، اندیشمندان این دورشته از دانش بشری همیشه بر دموکراسی تاخته‌اند و به ندرت از آن به نیکی یاد کرده‌اند. هر چند در یونان باستان صورتی از دموکراسی در معنای قدیم از بعضی از دولت-شهرهای آن تجربه شده بود، با توجه به این‌که برای جامعه بشری سلسله مراتب طبیعی قائل بودند، در مجموع اشرافیت را تمجید و دموکراسی را تقیح می‌نمودند.

ارسطو در کتاب پنجم از رساله سیاست گفته بود که برابری نابرابران، نابرابری است. منظور او از این سخن غیر عادلانه بودن اعطای امتیازات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دون‌پایگان جامعه به اندازه طبقات برتر بوده است. جامعه قدیم درون چنین تفکر طبیعت‌گرایانه‌ای نمی‌توانست منادی دموکراسی باشد. بعد از یونان باستان و شروع قرون وسطی در تاریخ اروپا، که الهیات جای فلسفه را می‌گیرد، گرایش غالب در میان الهی‌دانان بر این بوده است که حکومت را به مثابه‌ی امری آسمانی در نظر بگیرند و از منظری دینی به نفی و انکار حقوق مردم نسبت به حکومت بپردازند.

این گرایش در عصر جدید مغرب زمین به تدریج از سکه رایج بودن افتاد و جای خود را در سطح فلسفی به توجیه دولت‌های قراردادی سپرد که بر اساس آن حکومت نه امری طبیعی یا آسمانی که پدیده‌ای انسانی ساخته و پرداخته دیده شد. مهم‌ترین توجیه فیلسوفان این دوره برای ادعای خود از همگانی بودن سود کلز کردهای عمومی دولت برمی‌خاست. چیره‌دستی فیلسوفان سیاسی با نسخه‌ای جدید در عصر جدید، تصویری دو قطبی به وجود آورد که گذشته‌ی اقتدارگرایانه را یک‌سره به الهیات قرون وسطایی متعلق دانست و دموکراسی نوپیدا را محصول تقلسف جدید قلمداد نمود. در حالی که این تصور خیالی نه حقیقت که ناشی از تصادفی در تاریخ اروپا بود؛ چرا که عصر جدید آن‌ها از درون قرون وسطایی زاده شد که فئودالیسم در آن دوره با وساطت ارباب کلیسا توجیه می‌گشت. این تقارن صرف چنان وانمود که گویی از کوزه الهیات غیر از اقتدارگرایی چیز دیگری نمی‌تراود! حقیقت این است که تاریخ مشرق زمین اما با این نگره تخیلی شکل گرفته در اروپای جدید هماهنگ نیست. گرایش به دموکراسی در جوامع شرقی، مانند جوامع غربی، هر چند با تاخری تاریخی نسبت به غرب، حقیقتی غیر قابل انکار در تاریخ معاصر مشرق زمین است. اکنون دو سده است که متالهان مسلمان از شیعه و سنی در تلاشند الهیات ارتباطی و مردم‌گرایانه را بر جای الهیات اقتدارگرایی متعلق به جوامع شرقی قدیم بنشانند و چنین الهیاتی را مبنای حکمرانی

سیاسی قرار دهند.

هر چند این گرایش فکری تاریخ معاصر شرقیان در الهیات اسلامی سنی به نتیجه‌ی مشخصی نرسیده است، در تاریخ اندیشه معاصر شیعه در ایران زمین با اندیشه‌ورزی الهی‌دانانی چون نائینی و جمعی از متفکران مذهبی در حوزه‌های عراق و ایران، نظریه‌ی منسجمی را در حوزه الهیات سیاسی مردم‌گرایانه به وجود آورده است. بالاتر این که پس از گذشت پنج قرن از عصر جدید مغرب زمین، الهی‌دانان بخشی از جهان مسیحیت نیز با محوریت متالهان آمریکای لاتین، به الهیات‌رهای بخش رو آورده‌اند.

آنان از طریق بازتفسیر متون مقدس مدعی شده‌اند که کتاب مقدس فقط برای نجات مومنان در آخرت نازل نگشته است؛ بلکه نجات محرومان و طبقات پایین جامعه و رفع تبعیض و بی‌عدالتی از جوامع موجود ستم‌پیشه نیز بخشی از اراده اصلی خداوند در کتاب مقدس را تشکیل داده است.

درون چنین زمینه‌ای از تحولات مردم‌گرایانه در الهیات مردم‌گرای اسلامی و الهیات‌رهای بخش مسیحی، امروزه اندیشمندان سترگی چون هابرماس، کارانوا، چارلز تیلور و دیگران با برگشت انتقادی نسبت به فهم عمومی عصر جدید اروپا، مدعی شده‌اند که مذهب نیز مانند فلسفه در پیدایش دموکراسی در تاریخ جدید مغرب زمین نقش مثبت ایفا کرده است و نباید کنار گذاشتن مذهب از شیوه زندگی عمومی در گذر تحولات مغرب زمین را مبنای دآوری در باره مذهب تلقی کرد و آن را به اقتدارگرایی ذاتی متهم ساخت.

بر اساس آنچه گذشت، از یک نگاه بیرونی کلان‌نگرانه به تاریخ شرق و غرب می‌توان مدعی شد که هم فلسفه جدید و هم الهیات جدید بر خلاف فلسفه و الهیات قدیم به توجیه نظام‌های مردم‌گرای تمایل یافته‌اند. اگر دانش‌های مذهبی در جهان قدیم به اقتدارگرایی میل کرده‌اند، فلسفه نیز در گذشته چنین بوده است. و اگر در عصر جدید فیلسوفان به توجیه دولت قراردادی و مردم‌گرا پرداخته‌اند، متالهان بزرگی نیز به این سمت در شرق جهان و در این اواخر در غرب جهان متمایل گشته‌اند.

از این رو، می‌توان به این گمانه خطر کرد که دموکراسی و اقتدارگرایی، نه از ذاتیات فلسفه است و نه از ذاتیات مذهب است. آنچه مهم است تحول فهم بشری و بلوغ عقل انسان در گذر تحولات تاریخی و اجتماعی است. تحول فهم و به بلوغ رسیدن آن، دریافت تساویگرایی را هم در فلسفه و هم در الهیات تسهیل نموده است و طی یک فرایند ارتباط عمیق متقابل بین عین و ذهن، زندگی سیاسی جوامع جدید به نهادینه سازی دموکراسی و گریز از اقتدارگرایی پاسخ مثبت داده است. اما هماهنگ‌سازی جهان بیرونی و جهان درونی به آسانی اتفاق نمی‌افتد و سخت به هنر نمایی نوابغ دوران وابسته است. تنها کشش جوامع جدید به سمت فرایند دموکراتیزه شدن بدون کوشش اندیشمندان تیزبین و اهل جهد فراوان، به تنهایی و به خودی خود، نمی‌تواند به نهادینه‌سازی چنین فرآیندی بیانجامد.

کار بزرگ اندیشمند (فیلسوف یا الهی‌دان) در فرآیند دموکراسی این است که بر ابزار روش شناختی لازم برای یافتن تکه پاره‌های ایده‌های مردم‌گرایانه‌ی پراکنده در میراث قدیم

دست یابد و از طریق به‌هم پیوند دادن آن پاره‌های از هم دور افتاده در فضای اقتدارگرایانه قدیم، بتواند در شرایط مساعد جدید، نظام فکری معطوف به دموکراسی را بسازد و ببردازد. این تکه پاره‌ها را از درون دانش‌های قدیم، فلسفه یا الهیات، با کوشش طاقت‌فرسا می‌توان به چنگ آورد. باید کل میراث را برهم زد و از هزار توی آن گوهرهای زیرخاک مانده را بازیابی نمود. با این مقدمات اکنون می‌توانم با قاطعیت مدعی گردم که هنر نمایی معجزه‌آسای استاد فیرحی که خداوند جایش را در بالاترین مقام بهشتیان قرار دهد،

این بود که بعد از صرف سال‌های متمادی برای مطالعه در ادبیات تولید شده از سوی فیلسوفان سیاسی جدید یا قدیم و، به همان اندازه، بعد از صرف سال‌ها تامل در فقه اسلامی شیعه و اهل سنت، به مثابه دانش عملی راهنمای مسلمانان در هر دو حوزه‌ی زندگی خصوصی و عمومی در جوامع اسلامی، موفق شد طی دو دهه‌ی آخر از بهترین دوران عمر کوتاه اما بسیار پر برکتش، یک تنه این کار سترگ را شروع کند و تا آخرین لحظه از زندگانی پرثمرش چنین کار سرستانی را قدم به قدم به پیش برد و در نهایت به مرحله قابل قبولی از باردهی برساند. او بی‌تردید برای طی کردن این راه، رنج‌های فراوان متحمل شد؛ اما سختی راه را به عشق نتیجه پرثمر کاری که شروع کرده بود، معجزه‌آسا به جان خرید و میراث گران‌بهایی از خود در این زمینه برجای گذاشت. برگشت استاد سفر کرده ما به میراث اسلامی بسیار جدی و خستگی‌ناپذیر بود؛ اما چنین برگشتی به هیچ‌وجه برای نبش قبر بی‌سود گذشته نبود.

او با عینک پس زمینه‌ای از معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، و هستی‌شناسی جدید به سراغ سنت رفت و توانست به جای تکرار گذشته در حال و به عقب بردن عقربه تاریخ زمان حال، پایایی گذشته را به پویایی حال تبدیل نماید و به تجدید سنت در شرایط جدید تاریخی بپردازد. استاد فرزانه که داغش هر لحظه تا بر می‌ریاید، در تلاش بود دستگاه دانایی مسلمانان را چنان بازسازی کند که پاسخگویی به صدها پرسش در هر حوزه از حوزه‌های زندگی امروزی، با برگشت بدان امکان‌پذیر باشد و ما را از دادن پاسخ‌های کهنه به پرسش‌های جدید برهاند. اعتقاد بر این است که او تا این لحظه توانسته است، قطعاتی نو برای چنین دستگاه دانایی موجود در سنت اسلامی را تهیه نماید و آن‌ها را با دقت تا اندازه‌ای، هر چند موقتی، روی هم سوار کند و بعضی از پاسخ‌های مناسب بخشی از مسائل جدید را با تکیه بر آن به دست آورد؛ اما هنوز تا کامل شدن قطعات این دستگاه، سوار شدن دقیق همه قطعات بر روی هم و یافتن پاسخ مناسب همه پرسش‌های جدید از آن، راهی نرفته باقی مانده است.

اکنون که او در میان ما نیست و امشب که این یادداشت را می‌نویسم اولین شبی است که با اندوه فراوان غیرقابل وصف ساعتی قبل شاهد آرام گرفتن بیکر مطهر او در خاک پاک بهشت معصومه قم بودیم، تکمیل کردن راه طی شده و به مقصد رساندن کار بزرگ او، رسالت بزرگی است که بر دوش همه متفکران و اندیشمندان که دل در گرو تاریخ و جامعه این مرز و بوم دارند و بالندگی آن را وجهه همت خویش قرار داده‌اند، سنگینی می‌کند.

سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:
حرف‌های ما هنوز ناتمام تا نگاه می‌کنی وقت رفتن است
باز هم همان حکایت همیشگی
پیش از آن که باخبر شوید لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود
آی... ای حسرت و دریغ همیشگی ناگهان چقدر زوددیر می‌شود
یاد دانشور اخلاق مدار دکتر #فیرحی گرامی

شیخ دموکراسی



محمد مالی
حرف اول

در سوگ مرگ مرد ادب و علم، آن آزاده شریف، داود فیرحی (بر اثر کرونا)، فقط می‌توانم بگویم: «تَلَمَّةٌ لَا تُسَدُّ»: فراغی که پُر نشود، خسارتی که جبران نشود. چرا؟

موضوع این نوشتار اما پرداخت به نشانه‌های این «تَلَمَّةٌ» در دناک یعنی هجران ناگهان مرحوم استاد فیرحی است!

یکم: تمایز متفکر و اندیشمند در بالقوه بودن تفکر و برآمدن آفتاب فعلیت از دامن اندیشه است. اندیشمند، مهارت خلق نتایج نو از داده‌های کهن را داراست و با این فن، بُن‌بست‌ها را می‌شکند و گره‌ها را می‌گشاید. حال آن که متفکر در مسیر شدن است. تردید و شک و آزمون و خطا؛ دوستان همیشگی اویند و چرخ گردون باید بچرخد و آب از چاه بجوشد تا فکر در کانال اندیشه جاری شود. از این منظر است که گرچه تفکر مبارک است و متفکر اهل علم! اما این اندیشه و اندیشمند است که مسیر درست را در میانه دوراهی‌ها به جامعه می‌نمایاند. اندیشمند است که راهکار و راهبرد می‌دهد. اندیشمند است که علم را از غربت رها کرده و زاویه‌ای کاربردی می‌بخشد. استاد فیرحی یک اندیشمند به تمام معنا بود. او مفاهیم تازه‌ای در اندیشه سیاسی خلق کرد. فیرحی اندیشمند؛ از قدرت، دولت، احزاب، مشروعیت و حاکمیت و نظام سیاسی در جامعه ایرانی با اقتضائات بومی (ایرانی/اسلامی) تعریفی نو و ترجمانی تازه ارائه داد و این تلاش تئوریک، او را به استادی بی‌بدیل در شرح رابطه و نسبت سیاست و فقهت مبدل ساخت. و این میراث او را بس است.

دوم؛

اندیشمند و پژوهشگر، کل‌گر معدن خرد و عقلانیت است. او با کاوش و جستار گشایی و جد و جهد به پیش می‌راند تا گوهر معنار بیابد و آن را برای جویندگان به

اشتراک گذارد. او کار گزار فهم و ادراکی مبتنی بر اجتهاد شخصی است. فیرحی نقطه هدف و اولویت کاوش خود را بر سپهر سیاسی نخستین خیزش ملی ایرانیان قرار داده بود. او با فهمی عمیق که از غور در فقه سیاسی داشت، مشروطه را به عنوان سر آغازین تحول اجتماعی در جامعه ایرانی که قدرت سیاسی دیرپای چند هزار ساله را به چالش کشید و سنت ایرانی را با مفاهیم غربی چون عدالت و عرفی‌گری و مجلس و تفکیک قوا و قانون آشنا ساخت به عنوان موضوع پژوهش‌ها و تلاش‌های تئوریک خود برگزید.

فیرحی؛ مشروطه را تنها یک دوره تاریخی نمی‌پنداشت. او مشروطه را پایان رویای استبداد و نه البته مستبد! در ایران معاصر می‌دانست و چونان طیبی حاذق در پی آسیب‌شناسی ناکامی‌های این دوره بود. آخوند خراسانی و علامه نائینی شخصیت‌های مورد علاقه اویند در این دوره و بی‌طرفانه از نقد شیخ فضل‌الله نیز ابایی ندارد. او نظام فکری مشروطه را پیش‌رو و روزآمد دانسته و جامعه ایرانی را صد سال بعد؛ از تکرار تجارب تلخ آن دوره بر حذر می‌دارد.

سوم؛

فیرحی اندیشمندی متجدد بود. او از نظام ارزش‌گذاری سیاسی در جامعه ایرانی که غرب را جایگزین و معادل تجدید گرفته و نتیجتاً غرب‌سختی‌ریزی را بر جای تجدیدگرایی در دستور کار قرار داده، ناراضی بود. او با آگاهی و شناخت کافی از ظرفیت‌ها و برجستگی‌های فلسفه سیاسی غرب؛ پروژه‌ای مهم را آغازید که اگر فرصت حیات می‌یافت شاید برای همیشه نظام ارزش‌گذاری تضاد محور هویت‌مدار جای خود را به نظام ارزش‌گذاری اشتراک محور دانایی‌مدار می‌داد. فیرحی مدعی بود راهی جز خارج‌سازی ساختار سیاسی کشور از نظام دو قطبی و حاکمیت چندگانه وجود ندارد. او به جمهوریت عمیقاً باور داشت و دائماً با جمهوری‌ستیزان در جدال فکری بود.

فیرحی کار گزار فکری مبارزه با حکمرانی شخصی بود. او پیشنهاد اصلاحات ساختاری اساسی را روی میز قدرت سیاسی می‌گذارد و معتقد بود روی گردانی مردم از نخبگان سیاسی موجب فروپاشی خواهد شد و نگران

بود.

او در یک بزنگاه تاریخی به جای مصلحت‌پر دازی و عاقبت‌اندیشی؛ همان کاری را پیشه ساخت که هر عالم و کنش‌گر سیاسی حکیم، شرافتمند و پاک‌باخته برای جامعه خود انجام می‌داد. خوانند و نوشتند و گفتند! شناخت درست، دردشناسی، نقد و پیشنهاد اصلاح و ارائه راهکار. و البته شجاعت بیان صریح انتقادات و نقد درونی! چرا که معتقد بود زمان، زمان خود اصلاحی و تدوین راهکاری اصلاحی برای برون‌رفت سیستم از مشکلات است.

چهارم؛

فیرحی الگو و مدل داشت و خود تبدیل به الگو و مدل شد لا جرم.

او به سید محمد بهشتی و مرتضی مطهری می‌نگریست.

الگوی اول (بهشتی) با متدولوژی دانشگاه به حوزه می‌رفت و دیگری (مطهری) با پارادایم حوزه به دانشگاه می‌آمد. فیرحی می‌خواست بهشتی باشد و شد عاقبت. او با لباس آخوندی به دانشگاه آمد و در مدت کوتاهی همان شد که دو دهه دست کم نیازمند آن بودیم، کم داشتیم و او همان گوهر گم‌گشته‌ای بود که یک پا در فقه داشت و یک پا در سیاست. یک دست بر آتش سنت کهن و یک دست بر آتش عقل مدرن. دل‌بسته ایران و اما جهان‌وطن. استادی که با فهمی کامل و جامع از فقه، مساله سیاست و جهان مدرن را بفهمد و شجاعت تئوری‌پردازی داشته باشد. از این رو بود که فیرحی، با لباس آخوندی به محبوب دانشگاه آن هم در رشته روحانی‌ستیز علوم سیاسی مبدل شد و کرسی او محدود به دانشگاه تهران نشد و صدایش به واسطه مقالات، کتب و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هایش در خاورمیانه طنین انداز شد و می‌رفت کواکبی یا نائینی جدیدی رخ بنمایاند که اجل این فرصت مغتنم را ستاند و او نیز آرزویش را که بازگشت به حوزه پس از طی دوره آموزشی در دانشگاه بود را محقق ندید. دانشگاه و هسته آموزشی علوم سیاسی در کشور این استاد اهل گفتگو و اقناع را فراموش نمی‌کند.

روحانی روشن ضمیری که اهلیت داشت. گفت‌وگورا می‌فهمید و به آیین منطق و استدلال بود.

پنجم؛

فیرحی را می‌توان کل‌گزار نوسازی فقه سیاسی در ایران پس از دهه هفتاد دانست. او در میان روشنفکران دینی، یک استثنا است. فیرحی تأسیس دولت صفوی، حل قضیه تنباکو، پشتیبانی از انقلاب مشروطه و رهبری انقلاب را از تجارب مثبت فقه می‌داند و البته بر همین سنگ بنا، پروژه خود را نوسازی فقه در راستای عدم تکرار تجارب منفی‌اش در گذشته برای آینده معین می‌سازد.

با همین هدف است که استاد، خواستار ارزیابی مجدد از رابطه فقه، حقوق و اخلاق است و سخن آخر را اول

می‌زند که؛ «فقه باید چابک شود. باید به ظرفیت‌ها و چالش‌ها و پتانسیل‌های فقه توجه کرد».

او وقتی به تجربه و تلاش نائینی در تأسیس حقوق حاکمیتی یا حقوق ملی یا حق ملت برس مبنای استدلال‌های فقهی تمرکز می‌کند و مدعی آن را دارد. مُرادش نه گفتن تاریخ که بازپیمایی یک تجربه درست و ریل‌گذاری تازه است.

افسوس که با رحلت او، آرزوهایمان برای پیدایش رنسانسی در فقه سیاسی در خاک شد. حالا دیگر کدام فقیه است که از «انقطاع نسل‌ها» بگوید!

دیگر کیست که نسبییت هویت و خرده هویت‌ها را بشکافد و به هویت و بحران هویت از منظر دین پردازد؟

پرداخت عالمانه فیرحی به «دولت مدنی پیامبر» کی و چه وقت تکرار خواهد شد؟

آری، فیرحی فقیه بود و فقاقت می‌دانست و بر سر همین دانستگی فقه تازه‌ای را بنیان می‌خواست که...

با فیرحی بود که پس از چند قرن جدال بی‌حاصل امید آن می‌رفت که میان فقه سیاسی و روشنفکری دینی، تعاملی برقرار شده و به زبان مشترکی رسید. مقصود فیرحی آن بود که غفلت روشنفکری از فقه را اصلاح و این قبیله را از چنبره بدعت رها کند. فیرحی فقیه اما می‌خواست دموکراسی تازه‌ای بنویسد. او می‌خواست فقه، مدافع تعدد باشد و بر سنت بشورد. دستگاه فقه فیرحی، موتور نوگرایی بود و این ظرفیت، شالوده‌شکن و سازنده قرآنی نو می‌توانست باشد که طرحی نو برای همه ساختارهای فکری بر اساس تجارب موفق بشری می‌انداخت و استاد در این میانه مقدسی نمی‌شناخت. فقه فیرحی انسان‌ساز است.

او در پی انسان آزاد مؤمن بود؛ انسانی که به تعبیر استاد؛ جامعه را به درستی می‌سازد. و اورنج‌ها برد برای ساختن چنین الگویی.

حرف آخر،

چه حرف واپسینی! کدام سخن آخر! این جا به آغاز سخن رسیده‌ایم. این جامعه تشنه فیرحی بود. این هجران، و غروب ناگزیرانه، مهلک است برای جویندگان علم و دانش که سالیان در انتظار بودند یک مصلح اجتماعی کمر به نقد ملی بسته و راه سومی نشان دهد. فقدان فیرحی، محو شدن دورنمای آینده‌ای است که باید تئوریزه می‌شد و ناتمام ماند!

مداد عالم افتاد چونان خون شهیدی که چکید. حالا باید بر میراث او گریست و بر کارهای نکرده و حرف‌های نگفته‌اش حسرت برد و امید داشت مادر گیتی چون او بی‌بزیاید.

فیرحی حالا دیگر در میان ما نیست تا با قدرت تحلیل و خامه قلم‌اش، بُن‌بست‌ها را بشکند و تئوری‌های تازه بنوازد و تراوشات نو بسازد. هسته فکری ایران در علوم انسانی، حالا یکی از ستون‌هایش را و یکی از امیدهایش را از دست داده است. راه بر جاست اما و شاگردان استاد راه می‌خوانند...

- هومن خورشید با نگاهی کارشناسانه از رمز و راز موفقیت شرکت فولاد اکسین در دوران سخت تحریم و کرونا می‌گوید.
- محمد درویش در سوگ محسن خیرالهی قلم زده است.
- ایمان زمانی مهمان ماست تا چند شماره‌ای از بی‌بی‌مریم بختیاری بگوید بر ایمان.



هومن خورشید
نگره

چگونه فولاد اکسین به جهش تولید رسید

در سال ۹۸ با تغییر مدیریت شرکت فولاد اکسین و تحول استراتژی‌های مدیریتی و افزایش تعامل سازنده مدیریتی و بازرگانی با فولاد خوزستان و تعامل فنی با فولاد مبارکه اصفهان، این شرکت توانست با کنترل گرفتن محصولات انحصاری خود، فروش واسطه‌ای و دلالی ورق‌های اکسین را از گردونه خارج کند و خود به فروش مستقیم و صادرات ورق‌های خاص و کم نظیرش بپردازد.

اهم اقدامات زیر باعث شد تا فولاد اکسین در سال ۹۸ علاوه بر پرداخت بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان بدهی مطالبات حقوقی شده طلبکاران، ۵۱۳ میلیارد تومان نیز سود خالص به دست بیاورد در حالی که بالاترین سود شرکت فولاد اکسین در سال ۹۲ فقط ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بوده است و تا سال ۱۳۹۷ بیش از ۱۶۴ میلیارد تومان زیان انباشته و حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان انواع دیون و بدهی را به مشتریان و بانک‌ها و بازار داشته است.

مهم‌ترین اقداماتی که باعث شد اکسین به این سودآوری دست یابد به شرح ذیل است:

۱- تغییر سیاست‌های تولید و فروش محصولات از تولید کارمزدی به فروش مستقیم با همکاری شرکت فولاد خوزستان.

۲- تغییر ترکیب سبد تولید از محصولات تجاری و ساختمانی به محصولات آلیاژی و ورق‌های مورد نیاز خط لوله نفت و گاز کشور.

۳- تعمیرات اساسی برنامه‌ریزی شده خط تولید، تامین قطعات مورد نیاز که منجر به کاهش توقفات و افزایش بهره‌وری شد.

۴- افزایش مزایای کلرکنان بخش صاف با هدف ترغیب و ایجاد انگیزه جهت تولید بیشتر.

۵- بومی‌سازی مواد اولیه مورد نیاز تولید ورق‌های نفتی محیط ترش با کمک شرکت فولاد مبارکه اصفهان لوله‌سازی اهواز و اخذ تاییدیه‌های لازم تحت نظارت شرکت ملی نفت ایران.

۶- تعامل و همکاری با شرکت فولاد خوزستان و استفاده از زیرساخت‌های صادراتی آن شرکت با هدف توسعه بازارهای صادراتی جهت ارزآوری و صادرات محصولات با ارزش افزوده بالاتر.

۷- خرید به موقع مواد اولیه مورد نیاز و انبارش آن با هدف حفظ ارزش نقدینگی در طوفان تورمی اقتصاد کشور.

حفظ این روند و تلاش‌های مدیران و پرسنل شرکت در شش ماهه نخست سال ۹۹ باعث شد سود خالص اکسین بیش از ۳۰۰ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه سال ۹۸ داشته باشد و مهمتر اینکه چشم‌انداز طرح توسعه فولاد سازی اکسین در آستانه آغاز عملیات اجرایی است که می‌تواند تمامی لکان اداری و سازمانی استان خوزستان در کنار سهامداران ضمن کمک به حفظ ثبات این شرکت و رفع موانع تولید و صادرات در راه‌اندازی بزرگترین طرح اشتغال‌زایی خوزستان در سال جاری یاری کند.



ایمان زمانی
نوستالوژی

سردار بی بی مریم بختیاری

شناخت، ترویج و گسترش فرهنگ‌های اصیل دینی، ملی و بومی جزو ملزومات فعالیت‌های فرهنگی به شمار می‌آیند. شناخت فرهنگ‌های بومی و محلی و ترویج آنها می‌تواند گامی موثر در راه مقابله با تهاجم فرهنگی باشد. تهاجمی که بسیار نامرئی و نامحسوس است و چون خوره به جان فرهنگ ایران زمین افتاده است.

در زمانه ما، فضای مجازی هم تیغ دو لبه‌ای شده که می‌توان تراشید و اثر خلق کرد و هم می‌توان زخم زد و ریشه کن کرد. این هجوم فرهنگی چنان نامرئی است که گاه خود متوجه نمی‌شویم که گرفتار از خود بیگانگی شده‌ایم و فرهنگ اصیل و ماندگار خویش را به دست فراموشی سپرده‌ایم و دست به دامان فرهنگ بیگانه شده‌ایم.

تکیه بر فرهنگ اصیل و غنی خویش اصلی است که می‌بایست احیا شود و با شناخت آن به طور صحیح نیز به دیگر نسل‌ها انتقال دهیم. چرا که هویت ما نهفته در فرهنگ و تمدن ماست و ریشه در تاریخ فرهنگی ما دارد.

در این مجال قصد داریم یکی از شخصیت‌های ایل بختیاری را که علاوه بر این که وظایف همسری و مادری را بر عهده داشت به سرداری و پرچمداری مبارزه با استبداد رضاخانی پرداخت و نقش موثری در جنبش مشروطه و فتح تهران را بر عهده گرفت معرفی نماییم. با زندگی و مرام، راه و روش و سلوکش در جامعه و ایل آشنا شویم و سینه به سینه به فرزندان مان انتقال دهیم.

شناخت تبار و زندگی بی‌بی‌مریم بختیاری کمک شایانی به پی بردن بسیاری از اقدامات او می‌کند.

بی بی مریم دختر حسینقلی خان ایلخانی کل بختیاری و خواهر علیقلی خان سردار اسعد فاتح تهران و مادر علی مردان خان قهرمان مبارزه با رژیم شاه در حدود سال ۱۲۹۰ ه.ق بدنیا آمد. مادرش بی بی فاطمه دختر رضاخان از طایفه کیان ارثی چهار لنگ بود. لذا بی بی مریم از مادر نسبتش به محمد تقی خان کیان ارثی چهار لنگ که در مبارزه با قاجارها شهرت داشت می‌رسید.

ایلخانی از بی بی فاطمه تنها صاحب همین یک دختر شد. چهل روز پس از تولد بی بی مریم، پدرش ایلخانی او را نامزد علیقلی خان پسر محمد علی خان نمود. علیقلی خان از طایفه محمود صالح شاخه چهار لنگ بختیاری بود.

پدرش محمد علی خان از خوانین بزرگ چهار لنگ بود که به نوشته بی بی مریم سال‌ها با دولت قاجار مبارزه داشت. جد آنان علی مردان خان بود که در زمان افشاریه ادعای سلطنت داشت و با کریم خان زند جنگید.

بی بی مریم حدود ۹ سال داشت که پدرش حسین قلی خان ایلخانی به دستور ناصر الدین شاه و به دست ظل السلطان به قتل رسید از آن پس دوران در به دری خانواده ایلخانی به ویژه مریم کوچک آغاز شد.

اما ۷ سال بعد با آزاد شدن برادر بزرگ مریم بنام اسفندیار خان سردار اسعد از زندان ظل السلطان خانواده ایلخانی دوباره به قدرت رسید.

قسمت اول

دوستت داریم رفیق مهر بانم...

تادیروز در خوزستان
واز امروز بر فراز آسمان خوزستان
محمد درویش

۱. در شرح مرگ دوست ندارم نوحه بخوانم؛ پدرم هم وقتی که رفت؛ فقط نوشتم: پدرم رفت که رفت... مرگ را چیز بدی نمی‌دانم؛ هر قصه‌ای باید پایان داشته باشد، گاه اما دیر به قصه می‌رسیم یا زود قضاوتش می‌کنیم...

۲. محسن هم حالا رفته است. ظاهر آکرنا زمان رفتنش را به جلو انداخت؛ زمانی که دیر یا زود داره، اما سوخت و سوز نداره... همه خواهیم رفت و خوشا به حال محسن خیرالهی عزیز که فقدانش را کسی باور نمی‌کند. آن هم در زمانه‌ای که مرگ از همیشه به ما نزدیک‌تر و فلاکت اقتصادی، نفس‌گیرتر است. با این وجود، مرگ محسن همچنان غیرعادی، غم‌بار و

خیس کننده‌ی گونه‌هاست...

۳. سندی گویا در تایید شریف زیستن این مرد شریف و عاشق آموزش و کنشگری در حوزه محیط زیست. انسانی که خود بهانه سر کردن زمستان و دلیل حال خوب بسیاری بود...

۴. سعدی عزیزم می‌گوید: جان در تن مشتاقان از ذوق به رقص آید؛ چون باد بجنابند شاخی ز گلستانت. و می‌خواهم بگویم: نسیم خنکی که از گلستان سلوک محسن آفریده شده، تا ابد رقص کنان دنیای ما را زیباتر خواهد کرد...

روح شاد رفیق.



((آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای))

شرکت فولاد اکسین خوزستان در نظر دارد، تامین ماشین آلات سنگین شرکت را بر اساس مشخصات و شرایط کلی مندرج در این آگهی را از طریق مناقصه عمومی بصورت دو مرحله ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. شرکتهای متقاضی می توانند، بصورت حضوری و یا مراجعه به سایت شرکت به نشانی www.oxinsteel.ir قسمت امور قراردادها نسبت به دریافت پرسشنامه ارزیابی کیفی پیمانکاران اقدام نموده و پس از تکمیل فرم ارزیابی کیفی، حداکثر یک هفته پس از نشر آگهی، ضمن ارائه درخواست کتبی همراه با مدارک مورد نظر در این آگهی به آدرس: اهواز کیلومتر ۱۰ جاده اهواز، بندر امام خمینی کدپستی ۱۳۱۱۱-۶۱۷۸۸ و صندوق پستی: ۱۷۳۳-۶۱۷۷۵ اداره امور قراردادها شرکت فولاد اکسین خوزستان مراجعه و یا ارسال نمایند. لازم به توضیح است: هزینه چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

روابط عمومی شرکت فولاد اکسین خوزستان



ایران یکی از عاشقانش را از دست داد.
محیط زیست خوزستان در سوگ نشست.
محسن خیرالهی (خیرایی) درگذشت.
ای وای...



نقد خوزی‌ها بر تقلیل جریان فساد در ایران به آفازدها:

فساد زنجیره‌ای

محمد مالی
حرف اول

دستگاه فسادستیز، گاهی با فریاد و شعار و مقاله و تریبون نهی فساد و گاهی ضد فساد و گاهی در لانه مدعی فساد رخنه دارد. فساد چنان در لایه‌های مختلف و کادویچ شده و ظاهر الصلاح مطابق با شرایط روز با حوصله و صبوری به پیش می‌رود که ره‌گیری آن صعب و گاه ناممکن است. این گونه است که فساد حق اشتباه ندارد چون اشتباه اول آن، آخرین اشتباه اوست! علنی شدن فساد، حذف اوست. عمومی شدن فساد، مرگ اوست. آدرس غلط ندهیم! پرداخت به لباس فساد که گاه کراواتی و گاه متشرع‌نماست. گاه اهل پارتی و وقتی سفره‌انداز و شاید وقتی هیاتی و در هر لباس و منصب و پشت هر میز و عنوانی هست! چه حاصل دارد. پرداخت به حاشیه و شکل و فرم فساد، آتشی است خودساخته، که تو را از مهیب طوفانی که در راه است غافل می‌کند. فساد زنجیره‌ای است، این زنجیره تنها با قانونمندی، وجود رسانه‌های آزاد و نه سوت‌زن‌هایی که خود در معرض فسادند و درگیر حاشیه‌های زنجیره فساد ساخته، قطع می‌شود و نهایتاً دستگاه عدالتی که نگاه سیاسی ندارد. خط قرمز نشناسد و به موقع، دقیق و در چارچوب قانون وارد می‌شود. زنجیره فساد را تقلیل و تخفیف ندهیم. باردیگر مصداقی که در واقع تیره آن مصداق است. فساد بازی کودکان و موضوعی سینمایی نیست! دست‌مایه قرار دادن فساد برای سوزهای تصویری و جذب مخاطب، بد نیست اما بدتر آدرس غلط است. فساد را تحقیر نکنیم. فساد بزرگ است. هسته سخت آن غیر قابل نفوذ است و البته نامیرا نیست!

باور دارم فساد در ایران امروز و خاصه در خوزستان ما دیگر ناشی از تخلف یک فرد، یک فرقه یا فخره نیست! فساد گر چه هنوز تا سیستماتیک شدن فاصله دارد اما نمی‌توان انکار کرد یک جریان است. یک جریان مرموز، پویا و با نفوذ. فساد در جامعه ایرانی به یک زنجیره تبدیل شده است. این زنجیره کاملاً هماهنگ، منسجم، خود پایا و با یک ریتم مشخص به پیش می‌رود و هر مانع ناخوشایندی را از میان برمی‌دارد. فساد ایرانی اما هنوز سیستماتیک نیست ولی بی‌گمان جریان و زنجیره‌ای است که حیات خود را در بخش‌های مختلف سیستم تضمین می‌کند! به دفاع از تمامیت خود برمی‌خیزد و در این دفاع سیاه، از هیچ تلاشی فروگذار نیست و حریمی را نگه نمی‌دارد. فساد زنجیره‌ای در جامعه ایرانی به غولی نخراشیده، اژدهایی هفت‌سر و هزاردستانی قدرتمند میدل شده که در هر گوشه‌ای؛ اعضای زنجیره‌اش شاید بی‌آن که نسخه‌ای در کار باشد، خود را باز تولید و پشت به پشت یکدیگر می‌ایستند. از این روست که تقلیل زنجیره فساد در جامعه ایرانی به آفازدها که البته وجود برخی از این قبیل در زنجیره فساد را منکر نمی‌توان بود یا تخفیف زنجیره فساد در جامعه ایرانی به یک صنف یا بیان‌توریک آن در قالب زمین‌خوارها، رانت‌برها، یقه‌سفیدها و ویژه‌خوارها، دقیقاً بازی در زمین زنجیره فساد و همان کاری است که قوه عاقله زنجیره فساد می‌خواهد شاید. چرا که آدرس غلط به دور شدن از مسیر غایی می‌انجامد در حالی که فساد علنی نیست! فساد روشن و قابل رویت و رصد نیست! فساد گاهی در مقام مبارزه با فساد، گاهی در

باید پرداخت می‌کردید؟

قدر شناسی هم خوب چیزیه.

اصلن فرض کنید آب گرفتن تو خیابون‌ها که تو این شرایط

کروناوی کسی بیرون نیاد.

ما که همه ماسک می‌زنیم، بوی کمتری هم حس می‌کنیم،

بباید از این فضای چشم‌نوازی که ساخته‌اند بهره ببریم.

هر جای این کره خاکی هم‌چنین طرحی افتتاح می‌شود

هنرمندان آثاری خلق می‌کردند و شعرا در مدح مسئولان شعر

سرایی می‌کردند و روزنامه‌نگاران صفحات نشریه‌شان را به

یمن این شکوه عظمت به زیور طبع می‌آراستند.

از بخت بد مسئولان ما مردم همیشه نیمه خالی لیوان را

می‌بینیم.

اصلن شما مردم چرا این قدر گمان می‌کنید؟

برنامه امسال دفع فاضلاب نبوده بلکه جذب فاضلاب بوده است.

چرا وقتی از چیزی خبر ندارید الکی داستان‌سرای می‌کنید؟

امسال قرار بر این بوده از این بارش‌ها بهره‌مند شویم و تنوعی

در زندگی مان ایجاد شود حالا بوی بد داده یا مریضی به همراه

آورده که دیگر ربطی به مسئولان ندارد.

هر سال با چند ملت ابراز همدردی می‌کنید یکسال هم با

مردم آب کشیده‌ و نیز ابراز همدردی کنید.

یک مرتبه هم به سبک و نیزی‌ها روزگار بگذرانید.

فرض کنید امسال پاییز و زمستان رفته‌اید و نیزی، اگر قرار بود با

هزینه شخصی با این اوضاع دلار به و نیز بروید می‌دانید چقدر

با تلاش شبانه‌روزی و همت برخی از مسئولین در کمترین

زمان ممکن بزرگترین طرح گردشگری در خاورمیانه در شهر اهواز رونمایی شد.

از مدت‌ها پیش دست‌اندر کاران انواع و اقسام مانور و طرح

ضربتی برای دفع فاضلاب در اهواز به اجرا گذاشتند، تاروز

موعد غافلگیر نشود.

از قضا مسئولان برای مردم سورپرایز داشتند، قصدشان

غافلگیری بوده است تا شور و نشاط را در عصر کروناوی به

جامعه تزریق کنند.

گمان نکنید مسئولان از این آب‌کف‌تگی خبر نداشتند، گمان

نکنید اقدامی نکرده و دست‌روی دست گذاشته‌اند، گمان

نکنید طرح و برنامه نداشتند.

امید زمانی
ستون مردم

اهواز و نیز فاضلابی

